سیاست

گزارش سخنرانی حمیدرضا جلایی پور ۴

سیاست بین الملل

علیه قانون و اخلاق ۶

توافق سه حزب لبنان ۷

سیاست بین الملل

تحت تعقیب ترین ها در عراق ۸

مرگ ۲۰ شبه نظامی افغان ۹

استان ها

لزوم پاسخگویی مسئولان ۱۰

تعهد روسیه و چین از رویا تا واقعیت

سپیده کلانتریان

مقامات بلندپایه روسیه و چین در موضع گیری های خود اعلام کرده اند که اگر چه با سایر اعضای دائم شورای امنیت بر ممنوعیت دستیابی ایران به سلاح هسته ای و لزوم توقف کامل غنی سازی در ایران هم رای و هم عقیده اند، لیکن با هرگونه اعمال فشار غیردیپلماتیک بر ایران- اعم از تحریم اقتصادی یا حمله نظامی- از طریق تصویب قطعنامه ای در چارچوب فصل هفت منشور سازمان ملل متحد مخالفند و اعتقادشان بر این است که بحران هسته ای ایران صرفاً باید از طرق مسالمت آمیز و با مذاکره فیصله یابد . به رغم این اظهارات، باید توجه داشت که جنبه های مهمی از آنها که حائز اهمیت اساسی است، در هاله ای از ابهام قرار دارد. زیرا از یک سو ماهیت این اظهارات به لحاظ حقوقی معین نیست و از سوی دیگر شکل ابراز این «مخالفت» در شورای امنیت مبهم است . در اینجا به بررسی اجمالی این دو موضوع- یعنی ماهیت حقوقی این اظهارات و شکل ابراز آن در شورای امنیت- خواهیم پرداخت .

■ ماهیت حقوقی اظهارات روسیه و چین

از آنجا که موضوع «مخالفت» روسیه و چین با تصویب قطعنامه ای در چارچوب فصل هفت منشور سازمان ملل متحد در شورای امنیت علیه ایران، از اهمیتی خاص برخوردار است، ضروری است که صرف نظر از بحث های سیاسی، به ماهیت حقوقی اظهارات مقامات روسیه و چین نیز پرداخته شود. زیرا در نهایت و در پس مباحثات و مجادلات سیاسی، قواعد و مقررات حقوق بین الملل معین می کند که آیا اظهارات مقامات روسی و چینی قابلیت استناد حقوقی دارد یا خیر و آیا ایران می تواند ابراز این «مخالفت» موعود را در چارچوب قواعد و مقررات حاکم بر جامعه بین المللی از روسیه و چین مطالبه کند؟ در واقع اولین سئوالی که به ذهن متبادر می شود این است که آیا این اظهارات، در معنای حقوقی تعهدی بر ذمه دولتین روسیه و چین قرار می دهد یا خیر؟ اصولاً مبنای ایجاد تعهد در نظام حقوق بین الملل، انعقاد «معاهده» بین دولت (یا دولت های) متعهد و دولت (یا دولت های) متعهد له است. (البته با رعایت شرایط صحت معاهده). معاهدات بین المللی اعم از دو یا چندجانبه، عموماً کتبی هستند. اکثر حقوقدانان بین المللی مکتوب بودن را از شرایط لازم برای انعقاد یک معاهده تلقی می کنند. (هر چند عده ای از آنها «موافقتنامه های شرافتمندانه» را نیز در عداد معاهدات بین المللی قلمداد می کنند. ولی به نظر نمی رسد که اظهارات روسیه و چین حاوی «قول» حقوقی به ایران مبنی بر مخالفت با تصویب قطعنامه در شورای امنیت باشد وگرنه می توانستند آشکارا اعلام کنند که به ایران اطمینان یا «قول شرافتمندانه» می دهند که چنین قطعنامه احتمالی را وتو خواهند کرد.) بنابراین اظهارات مقامات دولتی روسیه و چین، «معاهده» بین المللی بین دولت متبوع آنها و ایران محسوب نمی شود. حال باید جایگاه اظهارات رسمی مقامات بلندپایه دولتی را در نظام حقوق بین الملل معین کرد. این اظهارات مادام که صرفاً در مقام بیان مواضع رسمی یک کشور باشد، اعتبار دارد ولی اگر از مرحله بیان موضع فراتر رود و تعهدی قراردادی بر گرده دولت متبوع آنها بنهد، معتبر نخواهد بود و از نظر حقوقی قابلیت استناد ندارد. گو اینکه در مذاکرات سیاسی می توان از آن به عنوان اهرم فشار استفاده کرد.

ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در کنار هوجین تائو رئیس جمهور چین

دلیل عدم اعتبار حقوقی این اظهارات این است که مطابق با حقوق معاهدات، این قوه مقننه هر کشور است که نهایتاً با توجه به مصالح کشور انعقاد معاهده ای را که توسط قوه مجریه انجام گرفته تصویب می کند. بنابراین هر مقام دولتی و حتی رئیس دولت یک کشور نیز نمی تواند خودسرانه و بدون تصویب مجلس آن کشور تعهدی برعهده کشور بگذارد. البته سیاقی که یک مقام دولتی در آن سخن می گوید نیز حائزاهمیت است. با توجه به سیاقی که مقامات روسی و چینی در آن سخن گفته اند و ابراز مخالفت خود با تصویب قطعنامه علیه ایران را اعلام کرده اند، می توان فهمید که آنها نه قصد ایجاد تعهد به «مخالفت» برای دولت متبوع خویش را داشته اند و نه اصولاً چنین اختیاری دارند. آنها صرفاً موضع دولت متبوع خویش را بیان کرده اند. موضعی که حتی می تواند در آینده ای نزدیک و بر حسب شرایط تغییر کند.

■ تجسم بیرونی «مخالفت»

به رغم اظهارات روسیه و چین در مخالفت با تصویب قطعنامه در شورای امنیت علیه ایران و در چارچوب فصل هفتم، تجسم بیرونی و تبلور عینی این «مخالفت» در شورای امنیت سازمان ملل متحد مبهم است و دقیقاً معین نشده است که به چه صورت خواهد بود. زیرا از آنجا که جایگاه بروز این «مخالفت» شورای امنیت است و نیز از آنجا که روسیه و چین دو عضو دائم دارای حق وتو در آن شورا هستند، مطابق با مقررات منشور و نیز رویه موجود هر یک از این دو کشور و به طور کلی هر یک از اعضای دائم شورا - که دارای حق وتو هستند- در برابر تصویب هر نوع قطعنامه ای در شورا، مختارند که یکی از چهار وضعیت ذیل را اختیار کنند:

۱- حضور در جلسه رای گیری شورای امنیت و دادن رای مثبت: با اظهارات اخیر مقامات دو دولت مزبور، چنین فرضی- حداقل تا زمانی که در همین وضعیت موجود به سر می بریم- بعید می نماید.

۲- حضور در جلسه شورای امنیت و اعمال وتو (دادن رای منفی): در چنین صورتی و حتی با وتوی یکی از دو دولت چین یا روسیه نیز قطعنامه مطروحه در شورای امنیت تصویب نخواهد شد.

۳- حضور درجلسه شورای امنیت و دادن رای ممتنع: در چنین صورتی رای ممتنع عضو دائم، لطمه ای به روند تصویب قطعنامه وارد نمی سازد و شورا می تواند طبق ماده ۲۷ منشور سازمان ملل متحد با کسب ۹ رای مثبت که شامل رای مثبت سایر اعضای دائم است، قطعنامه مطروحه را تصویب کند. بنابراین این احتمال وجود دارد که روسیه و چین به قطعنامه مطروحه علیه ایران، رای مثبت ندهند ولی در عین حال اعمال وتو نیز ننمایند و به دادن رای ممتنع بسنده کنند و نکته حائز اهمیت این است که رای ممتنع، ماهیتاً به لحاظ حقوقی، مخالفت محسوب نمی شود.

۴- عدم حضور در جلسه شورای امنیت: در منشور سازمان ملل متحد، چنین وضعیتی پیش بینی نشده است. ولی با توجه به رویه بین المللی، غیبت یکی از اعضای دائم شورای امنیت در جلسه رای گیری هر قطعنامه ای، خللی به روند تصویب آن وارد نمی کند و به لحاظ حقوقی رای منفی محسوب نمی شود. در چنین صورتی، شورای امنیت طبق روال عادی خود- یعنی با کسب اکثریت لازم و البته بدون وتوی هیچ یک از اعضای دائم حاضر در جلسه- قطعنامه مطروحه را به تصویب می رساند. پس این احتمال وجود دارد که هنگام طرح قطعنامه ای درخصوص ایران، چین یا روسیه از شرکت در آن جلسه خودداری کنند و این اقدام آنها مانع تصویب آن قطعنامه در شورا (البته با احراز سایر شرایط لازم تصویب) نخواهد شد. حال اینکه این اقدام با چه نیتی صورت گرفته و چه تاثیر یا تبعات سیاسی و بین المللی می تواند داشته باشد، مسئله ای است که ارتباطی به صحت و اعتبار حقوقی قطعنامه مصوب ندارد. با توجه به مسائل یاد شده و با توجه به این مطلب که روسیه و چین نوع و ماهیت مخالفت خود را با تصویب قطعنامه علیه ایران - که حقوقی باشد یا سیاسی - اعلام نکرده اند، ملاحظه می شود که آنها هنگام طرح احتمالی قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت، چند گزینه برای انتخاب کردن دارند که از جمله این گزینه ها، دادن رای ممتنع یا عدم حضور در جلسه رای گیری شورا است. با مدد جستن از حافظه تاریخی ملت ایران، خصوصاً در زمان جنگ هشت ساله ایران و عراق و با یادآوری اظهاراتی مشابه آنچه که امروز از زبان مقامات روسیه و چین می شنویم، به نظر می رسد که این دولت ها صرفاً در پی گرفتن امتیازات اقتصادی از دولت ایران هستند و نهایتاً نیز به اظهارات شفاهی خود پایبند نخواهند بود و روابط سیاسی خود را با غرب تیره نخواهند کرد آن هم بر سر موضوعی که آشکارا اعلام می کنند در مبنای آن - که لزوم توقف غنی سازی اورانیوم در ایران است - با غرب هم داستانند. بنابراین در چنین شرایطی با سابقه تاریخی روسیه در ارتباطاتش با ایران و نیز با وضعیت اقتصادی چین و نیازمندی آن کشور به حفظ و بلکه حسنه کردن مبادلات سیاسی و اقتصادی اش با غرب و خصوصاً ایالات متحده آمریکا، به نظر می رسد که در این شرایط حساس و بحرانی، عاقلانه ترین راه آن است که دولت ایران صرف نظر از دل بستن به امیدهای واهی و مبهم روسیه و چین، مستقلاً به تصمیم گیری در خصوص بحران هسته ای مبادرت ورزد و بدون اتکا به قول های بی پایه و اساس این دو کشور و وعده های بی مبنای آنها که عدول از آنها بسیار سهل است، وجهه همت خویش را بر جلب اعتماد بین المللی و حل مسالمت آمیز این بحران قرار دهد که تصمیم گیری بر پایه خردورزی ملی بسی پسندیده تر و نیکوتر از فرو رفتن به چاه با طناب چین و روسیه است.

ایران دروازه ثبات آسیای مرکزی

نبی الله ابراهیمی

ایران امروز به دلیل برتری ژئواستراتژیک، ژئوپولتیک و ژئواکونومیک در دو حوزه دریای خزر و خلیج فارس از موقعیت نقش آفرینی برخوردار است. امروزه مشخص شده که صحنه اصلی شطرنج قدرت ها در اوراسیا خواهد بود و خلیج فارس نیز به عنوان هارتلند این صحنه که منافع قدرت ها عمدتاً در آن تلاقی می یابد از اهمیت فزاینده ای برخوردار است. پیچیدگی وابستگی متقابل در جهان کنونی، دستیابی به یک رژیم امنیت بومی پایدار و به دور از نقش مداخله جویانه و تخریبی عنصر خارجی در منطقه آسیای مرکزی را با محوریت سه کشور مهم صاحب منافع یعنی چین، روسیه و ایران ضروری ساخته است. هر چند ترتیبات امنیتی - اقتصادی آسیای مرکزی همانند اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۸ (CAEC) معاهده امنیت جمعی تاشکند در سال ۱۹۹۲ (CST) و همکاری های امنیتی و اقتصادی بین کشورهای غرب کاسپین در گوام (Guuam) به وجود آمده ولی این اقدامات به دو دلیل یکی تلاش روسیه برای احراز نقش یک هژمون منطقه ای و دوم فقدان منطقه گرایی و عدم تعامل منطقه ای میان کشورهای استقلال یافته جماهیر شوروی سابق ناکام مانده است. پس در آسیای مرکزی همکاری های میان منطقه ای می تواند نقش اساسی داشته باشد که تمایل و توانایی مشترک در بین کلیه اعضا به منظور مشارکت فعال در مسائلی نظیر برقراری امنیت و صلح منطقه ای و بین المللی تحقق پیدا کند. نقش ایران نیز به دلیل دووجهی بودن یعنی اشتراکات هویتی میان دو منطقه مهم خاورمیانه و آسیای مرکزی حائز اهمیت است و آن حرکت از نظم قدیم منطقه ای به ژئوپولتیک نوین است. این حرکت با همکاری و تعامل با سازمان همکاری شانگهای (SCO) تکوین خواهد یافت.

■ از تهران تا شانگهای

در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ روسای جمهور قزاقستان، تاجیکستان، چین و روسیه در اجلاسی در بندر شانگهای چین قرارداد تقویت متقابل نظامی در مرزهای پنج کشور را امضا کردند. به موجب این قرارداد کشورهای یاد شده موافقت کردند که از حمله و یا درگیری در مناطق مرزی خودداری کرده و از مانورهای نظامی که تهدیدی علیه یکدیگر باشد اجتناب کنند و یکدیگر را از عملیات نظامی که قصد دارند تا عمق صد کیلومتری مرزهای مشترک به اتمام برسانند قبلاً آگاه سازند. پیش از هرگونه عملیات نظامی مخاطره آمیز همسایگان را مطلع سازند و بالاخره مناسبات دوستانه و همکاری بین نیروهای نظامی مستقر در دو سوی مرزها را تقویت کنند. پس دعوت این پیمان از ایران به عنوان عضو ناظر تلاشی در جهت تدوین و بسترسازی نوعی نظم جدید منطقه ای در سایه تفاهم و همکاری، به دور از مداخلات کشورهای فرامنطقه ای محسوب می شود. پیمان شانگهای قطعاً به ارتقای روند چند قطبی شدن و دموکراتیزه شدن روابط بین الملل در صورتی که نوعی درک مشترک وجود داشته باشد، منجر خواهد شد. ایران اگر بتواند نقش همکاری جویانه و قابل توجهی در این پیمان ایفا کند منافع و سودمندی های بیشتری را برای آینده امنیتی و منطقه ای خود فراهم خواهد کرد. البته این نکته ضروری است که جهت گیری های استراتژیک و نیز رویکردهای امنیتی کشورهای عضو پیمان شانگهای با یکدیگر همسو و مشترک نیست. از جمله می توان به رویکرد اقتصادی چین به آسیای مرکزی و تقلیل ملاحظات امنیتی آن و همچنین رویکرد کاملاً امنیتی روسیه برای ایجاد نوعی (ناتوی آسیا) برای مقابله با نفوذ و گسترش ناتو به شرق با رهبری ایالات متحده یاد کرد. لذا تهران باید به گونه ای از این پیمان استقبال کند که این ترتیبات منطقه ای بتواند فقدان منطقه گرایی خاورمیانه ای کشور را تا حد زیادی برطرف کند. سازمان همکاری شانگهای نه تنها ناقض هنجارها و قواعد پذیرفته بین المللی نیست بلکه با رویکردهای قابل توجه بین المللی در پی تداوم سیاست های سازنده و تعامل گرایانه خود است. این رویکرد اگر نوعی اعتماد به نفس منطقه ای برای کشورهای عضو این پیمان از جمله کشورهای ضعیف تر ایجاد کند، می تواند نوعی مشارکت و همکاری ایران جهت ائتلاف سازی منطقه ای را بسترسازی کند. ولی ملاحظه ای که از پیوستن ایران به این ترتیبات نهادی وجود دارد آن است که تهران تاکنون در پیمان های اقتصادی و مجموعه های منطقه ای مختلفی مانند اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، پیمان های مشترک با کشورهای حوزه کاسپین مشارکت داشته است اما هیچ یک از پیمان های یاد شده به واقع مطلوبیت موثری برای کشور فراهم نیاورده اند. به هر حال دعوت از ایران برای حضور در کنفرانس های این سازمان می تواند آرایش و قدرت در سطح منطقه ای و بالطبع رویکرد ایجابی را برای آینده امنیت بین المللی به وجود آورد که تهران می تواند به مرکز ثقل دو منظومه امنیتی یعنی آسیای مرکزی و خاورمیانه تبدیل شود. گفتمان امروزه منطقه آسیای مرکزی بعد از یازدهم سپتامبر و اشغال افغانستان و بالطبع حضور نیروهای آمریکایی در این منطقه، مبارزه با تروریسم، فزونی یافتن حوزه اقتصادی، نظامی کاسپین، تلاش چین و روسیه برای ایجاد نوعی هژمونی منطقه ای، تلاش ترکیه برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز حضور فعال ایران در ترتیبات مهم و نوین منطقه ای را الزامی ساخته است. حضور ایران در پیمان های منطقه ای می تواند تا حد زیادی امنیت ملی را با توجه به تحولات عرصه بین الملل به امنیت دسته جمعی در قالب منطقه ای، امنیت فراگیر و در نهایت امنیت جهانی پیوند زده و یکی از شاخه های اصلی فضای امنیتی جهان معاصر که در «تولید انبوه ناامنی» گرفتار آمده است، حداقلی ساخته و نوعی پویش امنیتی جدید را با توجه به تحولات جهانی شدن بسترسازی کند.

اسرائیل، ایران و آینده خاورمیانه

ریچارد فالک*

ترجمه: مهدی ایرانی کرمانی

بازی خطرناکی در منطقه خاورمیانه در جریان است و چنانچه تدابیر فوری دیپلماتیک اندیشیده و به مورد اجرا گذاشته نشوند این بازی به یک جنگ خانمانسوز بدل خواهد شد. قرائن متعدد نشان می دهند که اسرائیل با تهدید یا با بلوف زدن از اهرم هایی برای تشویق و ترغیب دولت آمریکا در جهت اتخاذ مواضع سرسختانه تری در برابر برنامه های هسته ای ایران استفاده می کند و از این راه در حال تحریک و وادار ساختن ایالات متحده علیه ایران است. از جمله این شواهد اظهارات پرطمطراق رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل نظیر شارون و مقاماتی چون وزیر دفاع، رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل و دیگران است که همگی علناً عنوان می کنند ایران امنیت اسرائیل را تهدید می کند و مشکل از راه های دیپلماتیک قابل حل نیست. حل مسئله مستلزم اقدامات حادتری است. پس حالا می توانیم از خودمان بپرسیم که چرا دنیا باید نگران عواقب حمله به تاسیسات هسته ای ایران باشد؟ شواهد بر این دلالت دارند که ایران برنامه هسته ای خود را دنبال می کند و حداقل این است که حق انتخاب تولید تسلیحات هسته ای را در سال های آینده برای خویش محفوظ نگه داشته است. البته نباید از یاد ببریم که مدت ها پیش از آنکه این گونه افکار به ذهن جورج بوش خطور کند اسرائیل در سال های ۱۹۶۷ و ۱۹۸۱ جنگ های پیشگیرانه ای را آغاز کرد و بارها در پی نابودی دشمنانش برآمده و به شیوه های گوناگون به مرزهای بین المللی تجاوز کرده است. اما اسرائیل در مسائل امنیتی همه چیز را از جمله حساب هزینه ها را به دقت می سنجد و در یک بررسی هوشمندانه به این نتیجه می رسد که حمله هوایی به ایران به مخاطرات و پیامدهایش نمی ارزد. اول آنکه تهدید (از جانب ایران) هم بعید است و هم دور از ذهن، دوم اینکه اسرائیل از نیروی نظامی، بازدارنده برخوردار است، سوم اینکه بر خلاف وضعیت بمباران اوسیراک عراق که همه فعالیت های هسته ای عراق در یک نقطه متمرکز بود، تاسیسات هسته ای ایران متکثر، پراکنده و حفاظت شده اند و در فضاهای زیرزمینی مستقر هستند، چهارم اینکه چنانچه ایران مورد هجوم قرارگیرد، امکاناتی نظیر موشک های شهاب سه دارد که می تواند با آنها دست به مقابله به مثل بزند و هیچ نقطه ای در اسرائیل از آن تقابل درامان نخواهد بود، پنجم، ایران در موقعیتی است که می تواند جنگ را به همه منطقه و حتی احتمالاً به کل جهان بکشاند، در اوضاع عراق دخالت کند و به تقویت نیروهای مقاومت فلسطینی ضداسرائیل بپردازد و ششم، تهاجم اسرائیل به ایران بدون هیچ شک و شبهه گرایش های اسلامی منطقه را تشدید و تقویت خواهد کرد و دولت های عرب تحت فشار روزافزون قرار خواهند گرفت که علیه اسرائیل واکنش نشان دهند. ما می توانیم مطمئن باشیم اسرائیلی ها از این مخاطرات آگاه هستند و بنابراین برنامه و خط مشی شان ورای چیزهایی است که به نظر می رسد.

هم و غم آنها فعلاً معطوف به ترغیب واشینگتن در جهت اقدامات دیپلماتیک و بعداً با استفاده از نفوذ بی حد و حصرشان در کنگره و سازمان های اجرایی آمریکا، توسل به حملات هوایی محدود است. گذشته از اینکه اسرائیل آمریکا را به هر طرفی که بخواهد می کشد و مصادیق آن هماهنگی سازمان یافته فعالیت های گروه های فشار یهودیان آمریکا است که مستقیماً از تل آویو خط می گیرند، افرادی در گروه رهبری بوش / چنی برای منحرف کردن اذهان عمومی از ناکامی هاشان در عراق، از اینکه به وسیله اسرائیل به این طرف و آن طرف کشانده می شوند، استقبال می کنند. از یاد نبریم که بوش (پدر) با رشوه دادن به اسرائیل از آن کشور خواست تا در جنگ ۱۹۹۱ خلیج (فارس) در حاشیه بایستد تا آمریکا با تایید و دعای خیر سازمان ملل حاکمیت کویت را احیا کند و دشمن شماره یک اسرائیل را از میان بردارد. یک امکان دیگر نیز وجود دارد که مربوط به اوضاع داخلی اسرائیل است. بزرگ نمایی تهدید ایران مخصوصاً با توجه به اظهارات احمدی نژاد در انحراف اذهان مردم اسرائیل از بحران های عمیق اجتماعی، فقر روزافزون، بیکاری و اختلاف فاحش ثروت و درآمد بسیار کارساز است. تاریخ انتخابات [برای تعیین دولت] اسرائیل ماه مارس ۲۰۰۶ است و بهتر است مردم سرگرم مسائل امنیتی باشند تا مسائل و مشکلات داخلی را فراموش کنند و رهبری را انتخاب کنند که نشان داده در مقابل مخاطرات امنیتی و در سیاست خارجی عزمی راسخ دارد و قوی پنجه است. مجموعه این وقایع ترکیه را هم به گونه ای درگیر می کند.

شواهدی وجود دارد که مقامات آمریکایی در چندماه گذشته در حال آمد و رفت به آنکارا بوده اند تا میزان همکاری ترکیه را در اقدامات احتمالی بسنجند. به نظر می رسد که معاملات پنهانی نظیر آزاد گذاشتن دست ترکیه در منکوب کردن پایگاه های PKK در ترکیه و عراق و حتی ایران مطرح است. البته هرگونه تجاوزی به ایران مخصوصاً اگر ترکیه هم در آن دخالت داشته باشد پیامدهای خطرناکی خواهد داشت و مسلماً روابط ترکیه را با کشورهای مسلمان تیره و تار خواهد کرد. در حقیقت ترکیه را در موضعی قرار می دهد که مجبور شود بین روابط استراتژیکی خود با ایالات متحده آمریکا و وابستگی های فرهنگی و جغرافیایی اش با کشورهای همجوار منطقه یکی را برگزینند. مشارکت ترکیه در اقدام نظامی علیه ایران خصومت اغلب کشورهای اروپا را بر خواهد انگیخت که منجر به تقلیل احتمال پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا ظرف یک دهه آینده خواهد شد. همچنین اتخاذ چنین تصمیمی از سوی ترکیه شرایط بحرانی و ناپایدار منطقه را تشدید می کند و منجر به گسترش فعالیت های اسلام گرایان می شود که این نیز گسترش دامنه جنگ را به دنبال دارد. سرانجام، چشم انداز عملیات علیه ایران در این مقطع ترسناک است. پیامدهای غیرقابل پیش بینی زیادی وجود دارند و چنین اقدامی ممکن است یک رشته واکنش زنجیره ای را بیافازد که سرانجامش یک جنگ واقعی بین تمدن ها باشد. ورای این نکته، هیچ تهدیدی از سوی ایران وجود ندارد که به صورت جدی چنین اقدامی را ایجاب کند و بشود برای آن توجیهی عقلانی پیدا کرد. دست زدن به تهاجم نظامی علیه ایران منجر به تضعیف سازمان ملل و قوانین بین المللی می شود که هر دو در پی حمله نظامی و اشغال یک جانبه و غیرقابل دفاع عراق آسیب دیده اند. بهتر است امیدوار باشیم که عقل سلیم و هوشیار پیروز شود یا این هیاهوی جنگ افروزانه بلوفی باشد برای مصرف سیاست داخلی ایالات متحده و اسرائیل. ملاحظات گسترده تری نیز قابل بررسی هستند، آیا خاورمیانه و حتی کل دنیا باید تن به این آپارتاید هسته ای بدهند، یعنی این طبیعی است که چند کشور از ما بهتران حق برخورداری از سلاح هسته ای را داشته باشند در حالی که اگر دیگران بخواهند به چنین سلاحی دست پیدا کنند تبدیل به «محور شرارت» می شوند و باید مورد حمله نظامی قرار گیرند؟ مخصوصاً اسرائیل مترصد است که به هیچ عنوان اجازه ندهد قدرت های منطقه مجهز به سلاح هسته ای شوند و به سلطه منطقه ای او که در اثر انحصاری بودن حق داشتن سلاح هسته ای به وجود آمده پایان دهد.

*** ریچارد فالک (Richard Falk) یکی از بزرگترین تحلیلگران سیاست بین المللی، نگارنده بیش از ۲۰ کتاب درباره جنگ، انقلاب، سیاست بین الملل و خاورمیانه است. وی استاد ارشد دانشگاه پرینستون است. این مقاله در ماه مارس ۲۰۰۶ نوشته شده و در سایت اینترنتی TFF Researcch (The Transnational Foundation for Peace and Future) انتشار یافته است.**

خبرها

حسینی تاش: تعلیق اورانیوم در دستور کار نیست

گروه سیاسی: سیدعلی حسینی تاش معاون راهبردی شورای عالی امنیت ملی و عضو تیم مذاکره کننده هسته ای تاکید کرد تعلیق غنی سازی اورانیوم قطعاً در دستور کار ایران قرار ندارد. به گزارش ایسنا، حسینی تاش تاکید کرد مسیر درست و مسالمت آمیز حل مسئله را ماهیتاً، این که ایران از فعالیت های صلح آمیز هسته ای اش کناره گیری کند و امتیازاتی بگیرد نمی دانم اما اگر مسیر درست حل مسئله آنچنان که مورد قبول ایران است جلو رود بعضی از انعطاف های داوطلبانه که اصول و خطوط قرمز را مخدوش نکند، ضرورت کار است. حسینی تاش در ادامه این گفت وگو تاکید کرد که ایران نمی تواند تعلیق را ایده مرکزی حل و فصل مسئله هسته ای بداند. وی تاکید کرد آنچه به عنوان تعلیق فعالیت های صلح آمیز هسته ای در پیشنهاد آمده، پیش شرط نیست. اگر هم این گونه باشد، پذیرش بررسی پیشنهاد ۱+۵ از نگاه ایران به این معنا نیست که بر سر حقوق ایران معامله ای صورت بگیرد. اگر چنین تعریفی داشتیم، قطعاً پیشنهاد را بلافاصله رد می کنیم. معاون راهبردی شورای عالی امنیت ملی همچنین تاکید کرد که این پیشنهاد ابهامات زیادی دارد. معاون راهبردی دبیر شورای عالی امنیت ملی در ادامه گفت که مذاکرات اولیه دکتر لاریجانی با خاویر سولانا در تهران بسیار شفاف بود و حداقل از سوی طرف ایرانی مسائل به طور روشن بیان شد و این که چه چیزهایی در پیشنهاد می تواند برای ما قابل قبول باشد و بالعکس. وی با اشاره به این که سیاست ما این است که از تمایلات مثبتی که می بینیم استفاده کنیم، اظهار داشت: «البته به ابهامات این پیشنهاد در مذاکرات اولیه در آینده به طور کلی پرداخته خواهد شد، طرف مقابل بود که آمادگی نداشت در آن زمان (مذاکره سولانا با لاریجانی در تهران) بر روی این مسائل به طور جزیی بحث کند.» حسینی تاش ادامه داد: «در مذاکرات اولیه نیز گفته شد که ایران در طرف مذاکره خود و پیشنهاد برای حل و فصل مسالمت آمیز مسئله هسته ای تمایلات و جنبه های مثبت را می بیند و نیز بر اقدامات سوءظن برانگیز و جنبه های مهم در پیشنهاد هم اشاره کردیم.» حسینی تاش تاکید کرد که سولانا اشاره ای به زمان ارائه پاسخ نداشت. وی در ادامه این گفت وگو اظهار داشت که در مسیر آینده به شرایطی پیچیده تر از گذشته نمی رسیم.

آئین سالگرد ربایش ٤ دیپلمات ایرانی

فارس: دبیر همایش «در انتهای افق» اظهار داشت: همزمان با ۱۴ تیرماه مراسم سالگرد ربایش ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی با حضور مسئولان فعلی این پرونده و سئوال از پیگیری های ۱۸ ساله حسین موسوی مسئول اسبق پرونده برگزار خواهد شد. حسین اسکندری اظهار داشت: در آستانه بیست و پنجمین سالگرد ربایش ۴ دیپلمات ایرانی به دست عوامل رژیم صهیونیستی بر آن شدیم تا در تشکلی مردمی همایشی با عنوان «در انتهای افق» ترتیب بدهیم و از خانواده های ۴ دیپلمات و مسئولان مربوطه دعوت به حضور در این مراسم کنیم. وی افزود: در این مراسم که از ساعت ۱۷ تا ۱۹/۳۰ چهارشنبه این هفته در سالن همایش های آسمان واقع در خیابان ایران زمین در شهرک قدس برگزار می شود، سردار جعفر جهروتی همرزم حاج احمد متوسلیان سخنرانی خواهد کرد.

هشدار پنتاگون به بوش

شرق: مجله نیویورکر در شماره روز یکشنبه خود به نقل از برخی مقامات عالی رتبه پنتاگون می نویسد: پنتاگون به دولت بوش هشدار داده است که حمله به تاسیسات هسته ای ایران در تخریب برنامه های هسته ای این کشور موثر واقع نمی شود. فرماندهان ارشد پنتاگون همچنین هشدار داده اند که هرگونه حمله در صورت شکست دیپلماسی پیامدهای اقتصادی، سیاسی و نظامی وخیمی برای ایالات متحده به دنبال دارد. در این گزارش آمده است: نکته مهم در استفاده از قدرت نظامی این است که سرویس های جاسوسی آمریکا و اروپا در زمینه تاسیسات زیرزمینی ایران اطلاعاتی ندارند و درواقع طراحان جنگ نمی دانند چه چیزی را بمباران می کنند. این در حالی است که تجربه نظامی آمریکا در عراق- جایی که ادعای آمریکا مبنی بر وجود تسلیحات کشتارجمعی به اثبات نرسید - بر رویکرد واشینگتن در مورد ایران تاثیرگذار است. فرماندهان ارشد پنتاگون می گویند: ما این اشتباه را در مورد عراق مرتکب شدیم در حالی که سلاحی وجود نداشت.

دستگیری ۵ ایرانی در مرز پاکستان

ایسنا: خبرگزاری آسوشیتدپرس پاکستان گزارش داد، نیروهای امنیتی پاکستان روز یکشنبه در تفتان واقع در مرز ایران و پاکستان هشت تبعه افغانستان و پنج ایرانی را دستگیر کردند. این خبرگزاری پاکستانی به نقل از منابع امنیتی این کشور که نامی از آنها نبرد، نوشت: این افراد بدون مدارک قانونی وارد پاکستان شده بودند. این گزارش حاکی است براساس قوانین پاکستان درخصوص اتباع خارجی، این افراد در دادگاه محاکمه خواهند شد. از سوی دیگر این منابع اعلام کردند تعدادی از اتباع پاکستان بدون هیچ مجوز عبوری از مرزهای ایران و پاکستان گذشته و وارد خاک ایران شده اند که نیروهای امنیتی ایران آنها را دستگیر کرده اند. به گفته این منابع نیروهای امنیتی ایران نیز ۱۸ پاکستانی را در تفتان دستگیر کرده و آنها را تحویل نیروهای امنیتی پاکستان داده اند. این منابع افزودند که افراد دستگیرشده قصد داشتند از طریق ایران برای پیدا کردن کار راهی کشورهای اروپایی شوند.

سنیوره: ایران به نفع صلح خاورمیانه برنامه هسته ای را رها کند

ایسنا: براساس گزارش شبکه خبری بلومبرگ، فواد سنیوره ابراز عقیده کرد که ایران باید به نفع آنچه وی آن را صلح خاورمیانه خواند، برنامه هسته ای اش را رها کند. فواد سنیوره نخست وزیر لبنان روز یکشنبه در مصاحبه ای که در دفترش در بیروت با شبکه خبری بلومبرگ انجام داد، گفت: من با هیچ ایده ای مبنی بر اینکه ایران باید برق هسته ای داشته باشد، موافق نیستم. وی در عین حال در بخش دیگری از سخنانش «سیاست دوگانه غرب» درباره «صدها کلاهک هسته ای» رژیم صهیونیستی را به باد انتقاد گرفت. سنیوره افزود که موضع لبنان درخصوص برق هسته ای ایران را در «مذاکرات صادقانه و بسیار خوبی» که با منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران داشته به وی ابلاغ کرده است.